

بررسی سبک‌ها و ابعاد دلبستگی بزرگسال و شدت خشم در نوجوانان قلدر و مقایسه آن با نوجوانان قربانی

چکیده

هدف این پژوهش مقایسه سبک دلبستگی و شدت خشم نوجوانان قلدر و قربانی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره اول متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. نمونه آماری با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس خودگزارشی قلدر-قربانی الویوس (۱۹۹۶) و پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (AAS) (۱۹۸۷) و پرسشنامه شدت خشم نیلسون (۲۰۰۰) بهره گرفته شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که دانش‌آموزان قلدر و قربانی در بین مؤلفه‌های خشم و ابعاد سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$) نتایج دیگر پژوهش نشان داد دانش‌آموزان قلدر دارای سبک دلبستگی اجتنابی بوده و شدت خشم در بین قلدران نسبت به قربانیان بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، خشم، قلدر، قربانی.

رحیم بدری*
دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی (نویسنده مسئول)
سپیده کاظمی
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز
زهرا اعتمادی
دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱۸

*نشانی: دانشگاه تبریز، دانشکده علوم

تربیتی، گروه علوم تربیتی.

رایانامه:

Badri1346@tabrizu.ac.com

Adult Attachment Styles and Dimensions and Anger in Bully and Victim Adolescents

Abstract

The aim of this study was to compare adult attachment and anger in bullies and victims. The population consisted of male and female Junior High School students in Tabriz in the academic year (2012- 2013). The sample was selected using cluster sampling. To collect data Self-Report Bully/ Victim Olweus Scale (1996) and the Adult Attachment Scale (AAS) (1987) and Nilson's Anger Questionnaire (2000) were used. Data were analyzed using multivariate analysis of variance. The results showed that there was a significant difference in the elements of anger and insecure attachment style and Ambivalent of bully and victim students ($P < 0.05$). Other results showed that bullying students had an avoidant attachment style and anger among the bullies was more than victim students.

Keywords: Attachment, Anger, Bullying, Victimization.

Rahim Badri *
Associate professor, Tabriz University, Education Department

Sepideh Kazemi
MA in Educational Psychology, University of Tabriz

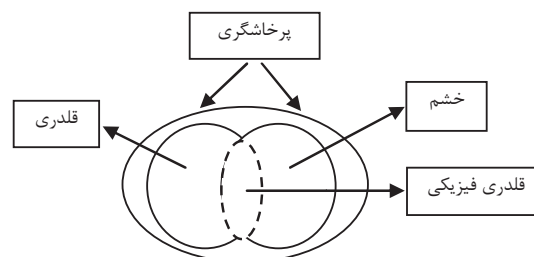
Zahra Etemady
MS student in Clinical Psychology, Islamic Azad University, Science and Research, East Azarbaijan

*Corresponding Author:

Badri1346@tabrizu.ac.com

مقدمه

قلدری^۱ یکی از مشکلات رفتاری شناخته شده در دوران نوجوانی است که یک نوع خشونت به شمار می‌آید و رایج‌ترین نوع آن در مدارس است (جان هالی^۲، وندی استاین^۳، ۱۳۹۰؛ الویوس^۴، ۱۳۸۹؛ پیشکین^۵، ۲۰۰۲)؛ که به بی‌رحمی، لجبازی، بداندیشی و خشونت فیزیکی و روانی تعریف می‌شود (پیشکین، ۲۰۰۲)؛ و معمولاً با حملات مکرر و منظم توسط شخص یا گروه قوی‌تر به ضعیف است. گاهی قلدری را با خشم و پرخاشگری یکی می‌دانند در حالی که علاوه بر وجود شباهت بین قلدری و خشم و پرخاشگری تفاوت‌هایی نیز باهم دارند و هر کدام دارای ویژگی‌های مشخصی هستند که آن‌ها را از هم جدا می‌کند (گوکلر^۶، ۲۰۰۹). برای تعریف رفتار پرخاشگری، با توجه به محیط بروز و فرهنگ می‌تواند تعریف متفاوت داشته باشد به همین دلیل ارائه تعریف برای آن سخت است اما می‌توان گفت پرخاشگری، با هدف آزار رساندن به دیگران، حسادت و نفرت و به شکل رفتار تخریب‌کننده معرفی می‌شود (آبای^۷ و توگلو^۸، ۲۰۰۰). رابطه پرخاشگری و خشم و قلدری را در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱. رابطه بین پرخاشگری و خشم و قلدری (گوکلر، ۲۰۰۹)

با توجه به شکل ۱ می‌توان گفت پرخاشگری، خشم و قلدری را می‌تواند در درون خود جای دهد. خشم و قلدری کردن شکلی از پرخاشگری محسوب می‌شوند.

خشم و قلدری علاوه بر داشتن نکات مشترک باهم تفاوت‌هایی نیز دارند، بروز قلدری فیزیکی (مانند کتک زدن و لگزدن) درعین حال به‌عنوان خشم نیز قبول می‌شود اما قلدری، تنها فیزیکی آشکار نمی‌شود و از این جهت با خشم فرق دارد مانند مسخره کردن، دست انداختن، لقب گذاشتن و شایعه‌پراکنی؛ این گونه قلدری‌ها برخلاف این که پرخاشگری محسوب می‌شوند ولی خشم نیستند، علاوه بر این برخی رفتارهای خشم نیز قلدری محسوب نمی‌شوند مثلاً هنگامی که دو دانش‌آموز تقریباً با توانایی یکسان (جسمی و روانی) با یکدیگر درگیر شده یا نزاع می‌کنند و به همدیگر آسیب می‌رسانند، این به عنوان یک رفتار خشم محسوب می‌شود نه یک قلدری؛ زیرا همان‌طور که قبلاً هم گفته شد در قلدری عدم تعادل قدرت وجود دارد. معمولاً قلدری در دوره دبستان شروع شده و در دوران دبیرستان دوره اول و سال اول متوسطه تشدید می‌یابد اما بعد از کلاس نهم روند کاهشی دارد (علایی، ۱۳۹۲)؛ و مخصوص جنسیت خاصی نیست و هر دو گروه دختران و پسران را شامل می‌شود. مطالعات در چندین کشور شیوع ۸ تا ۴۶٪ را برای کودکان قربانی و ۵ تا ۳۰٪ را برای افرادی که مرتباً قلدری می‌کنند، نشان می‌دهد (نانشل^۹، اورپک^{۱۰}، پیلا^{۱۱}، سیمون-مورتن^{۱۲} و اسپیت^{۱۳}، ۲۰۰۱). در ایران نیز شهنی ییلاقی (۱۳۷۷) پژوهشی با هدف معرفی پدیده قلدری/ قربانی و تعیین میزان شیوع آن در مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه اهواز انجام داد. نتایج بیانگر این است که از ۳۰۷۲ دانش‌آموز ۵/۶٪ پسر و ۱۱/۳۴٪ دختر قلدر بودند. همچنین ۴/۷٪ پسر و ۹/۵٪ دختر قربانی بودند. تحقیقات در حال رشد در ۱۵ سال اخیر نشان داده است که هم مرتکبان قلدری و هم قربانیان در معرض خطرهای کوتاه‌مدت و بلندمدت سازگاری مانند مشکلات تحصیلی، مشکلات روان‌شناختی و مشکلات روابط اجتماعی هستند. این معضل نه تنها محیط مدارس را با

9. Nansel

10. Overpeck

11. Pilla

12. Simon- Morton

13. Scheidt

1. bulling

2. Holley

3. Stine

4. Olweus

5. Piskin

6. Gokler

7. Abay

8. Tuglu

است کودک در تشکیل مبنای ایمنی که لازمه بهداشت روانی کودک در بزرگسالی است، با شکست مواجه شود (هین شاو^{۱۴}، بوریس^{۱۵} و زینا^{۱۶}، ۱۹۹۹).

مطالعات گوناگون که در مورد سبک دلبستگی دانش‌آموزان قلدر و قربانی صورت گرفته نشان می‌دهند این افراد دارای مجموعه‌ای از تجارب ناکارآمد و نامناسب دوران اولیه رشد هستند که می‌تواند به شدت امنیت دلبستگی‌شان را تحت تأثیر قرار داده باشد. آن‌ها غالباً در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که تأمین بسیاری از نیازهایشان با تأخیر صورت گرفته و یا با ناکامی روبه‌رو شده است (بوورس^{۱۷}، اسمیت^{۱۸} و بیننی^{۱۹}، ۱۹۹۴). از طرفی تحقیقات نشان داده که سبک دلبستگی کودکان قربانی ناایمن‌تر از کودکان قلدر و عادی هست (والدن^{۲۰} و بیران^{۲۱}، ۲۰۱۰)؛ و کودکان دارای سبک دلبستگی اجتنابی در بزرگسالی بیشتر رفتارهای قلدرانه را نشان می‌دهند (ایرلند^{۲۲} و پاور^{۲۳}، ۲۰۰۴).

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت روابط کودک- والد در اوایل زندگی در قلدری کودک و قربانی بودنش تأثیر دارد (نیکرسون^{۲۴}، میل^{۲۵}، پرینسیوتا^{۲۶}، ۲۰۰۸). دلبستگی ناایمن در کودکان باعث افزایش مشکلات رفتاری و پرخاشگری، رفتار غیراجتماعی و بیماری‌های روانی این کودکان در بزرگسالی می‌شود (الگار^{۲۷}، ۲۰۰۳). درحالی‌که نوجوانان و کودکان دارای سبک دلبستگی ایمن با اطرافیان‌شان بیشتر رابطه مثبت برقرار کرده و در روابطشان با دیگران حد اعتدال را رعایت می‌کنند و کمتر درگیر مسئله قلدری و قربانی

ترس و نگرانی همراه می‌کند، بلکه بر توانایی یادگیری دانش‌آموزان هم تأثیر می‌گذارد (گل کاپچی^۱، ۲۰۰۴).

در سیستم قلدری معمولاً دو گروه جای دارد: اولی قلدر یعنی کسی که رفتار نامناسب و پرخاشگری نشان می‌دهد و دیگری قربانی^۲ یعنی کسی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد (اسمیت^۳، ۱۹۹۱). قلدران نسبت به قربانیان احساس همدردی ندارند به همین خاطر خیلی کم دچار عذاب وجدان و پشیمانی می‌شوند و معمولاً دارای احساس شدید خشم هستند (پیشکین، ۲۰۰۵).

طی سال‌های اخیر، پژوهشگران تلاش نموده‌اند مسئله قلدری و قربانی را از چشم‌اندازهای مختلف بررسی نموده و آن را در قالب چهارچوب‌های نظری خاص تبیین نمایند. یکی از این چهارچوب‌های نظری که توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده است نظریه دلبستگی بالبی^۴ است. طرفداران نظریه دلبستگی، دلبستگی^۵ را به‌عنوان یک ارتباط عمیق و پایدار بین یک کودک و مراقبش در سال اول زندگی تلقی می‌کنند و معتقدند نوع رابطه مادر- کودک^۶ در سال‌های اولیه زندگی و میزان قابلیت دسترسی به مادر^۷، میزان حمایت مادر هنگام احساس خطر، درجه حساسیت مادرانه و تکیه گاه ایمن بودن^۸ مادر برای کودک تا بتواند به جستجو در محیط پردازد سبک دلبستگی^۹ فرد را تعیین می‌کند (هازان^{۱۰} و شیور^{۱۱}، ۱۹۸۷). اینثورت^{۱۲} و بالبی سه سبک دلبستگی ایمن، ناایمن اضطرابی و ناایمن بیمناک را در کودکان شناسایی کردند (دیویس^{۱۳}، ۲۰۰۴). به‌عبارت دیگر دلبستگی چگونگی ارتباط کودک با دنیا را شکل داده و نحوه یادگیری و ارتباط را در سراسر زندگی مشخص می‌کند. اگر این فرآیند گسیخته باشد، ممکن

14. Hinshow
15. Boris
16. Zeanah
17. Bowers
18. Smith
19. Binney
20. Walden
21. Beran
22. Ireland
23. Power
24. Nickerson
25. Mele
26. Princiotta
27. Elgar

1. Gulkapci
2. victim
3. Smith
4. Bowlby
5. attachment
6. mother- child relationship
7. availability
8. secure base
9. attachment style
10. Hazan
11. Shaver
12. Ainsworth
13. Davies

آن‌ها در طول دوره زندگی افراد، در این پژوهش تلاش گردید تا سبک دلبستگی و شدت خشم دانش‌آموزان قلدر و قربانی مورد بررسی قرار گیرد؛ و سؤال‌هایی که در این پژوهش مطرح بود این است که:

۱. آیا بین سبک دلبستگی کودکان قلدر و قربانی تفاوت وجود دارد؟

۲. آیا بین شدت خشم کودکان قلدر و قربانی تفاوت وجود دارد؟

روش

جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دوره اول متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ است. بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا دو ناحیه از نواحی پنج‌گانه شهر تبریز انتخاب و بعد، از بین هر ناحیه دو مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند. مشخصات جمعیت شناختی نمونه پژوهش حاضر شامل ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر قلدر و قربانی است. در بین این نمونه فراوانی افراد قلدر (۵۰ نفر دختر، ۵۰ نفر پسر)، فراوانی افراد قربانی (۵۰ نفر دختر، ۵۰ نفر پسر) بود. در این مطالعه برای تشخیص دانش‌آموزان قلدر و قربانی، ابتدا پرسشنامه‌های تشخیصی در اختیار مدیریت، معاونین و در برخی مدارس در اختیار مشاوران قرار گرفت. تا به کمک معلمان کودکان دارای علائم تشخیصی قلدری و قربانی شناسایی شوند، بعد از سرند کردن توسط معلمان مدارس دانش‌آموزان موردنظر در هر کلاس شناسایی و پس از تکمیل پرسشنامه قلدری الویوس توسط دانش‌آموزان معرفی شده، دانش‌آموزانی که در گویه‌های قلدری بیشترین نمره را کسب کرده بودند به عنوان قلدر و دانش‌آموزانی که در گویه‌های قربانی بیشترین نمره را کسب کرده بودند به عنوان قربانی شناخته شده و به عنوان نمونه انتخاب شدند و خشم و سبک دلبستگی‌شان مورد بررسی قرار گرفت.

می‌شوند یعنی به عبارتی نه هدف قلدری قرار می‌گیرند و یا این‌چنین رفتارهایی را از خودشان نشان می‌دهند (بوورس و همکاران، ۱۹۹۴؛ اوکون^۱، ۱۹۹۷). در بیشتر تحقیقات نشان داده شد که کودکان دارای سبک دلبستگی ناایمن در مقایسه با کودکان دارای دلبستگی ایمن بیشتر خشم و رفتارهای پرخاشگری نشان می‌دهند (تروی^۲ و سروفه^۳، ۱۹۸۷؛ لافرنیر^۴ و سروفه^۵، ۱۹۸۵). در تحقیقات مشابه نیز خشم و پرخاشگری دیده شده در مدارس با سبک دلبستگی ناایمن رابطه دارد (دولی^۶ و مارکیوکز^۷، ۲۰۰۵). غالباً دانش‌آموزی با سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، به اطرافیان و کسان دیگر اعتماد نمی‌کند و احساس دشمنی و ستیز به اطرافیان دارد و به همین خاطر می‌تواند به اطرافیان قلدری کند (مانکس^۸، اسمیت^۹ و سویتنهام^{۱۰}، ۲۰۰۵). علاوه بر این نوجوانان دارای سبک دلبستگی ناایمن مقاوم، دارای اعتماد به نفس پایین می‌باشند و این یکی از دلایل برای قربانی شدن توسط قلدران می‌باشد (مای^{۱۱}، وارتاین^{۱۲} و ویرگا^{۱۳}، ۲۰۰۲).

به‌طور کلی می‌توان گفت سبک دلبستگی ناایمن با قلدر کردن و قربانی شدن رابطه معناداری دارد؛ و در برخی تحقیقات نشان داده شده است که سبک دلبستگی بر روی دختران بیشتر تأثیر می‌گذارد (سیدلیتز^{۱۴}، ۱۹۹۱). درحالی‌که در برخی تحقیقات نشان داده شد که سبک دلبستگی بر رفتار تأثیر می‌گذارد و فرقی بین جنسیت وجود ندارد (سیمون^{۱۵}، میلر^{۱۶} و آگنر^{۱۷}، ۱۹۸۰). با توجه به مهم و حساس بودن مسئله دلبستگی و خشم و تأثیرات

1. O' Koon
2. Troy
3. Sroufe
4. Lafreniere
5. Doyle
6. Markiewicz
7. Monks
8. Smith
9. Swettenham
10. May
11. Vartain
12. Virga
13. Seydlitz
14. Simon
15. Miller
16. Aigner

ابزارهای اندازه‌گیری

در این مطالعه به منظور دستیابی به هدف پژوهش از مقیاس دلبستگی هازان و شیور ۱۹۸۷ و پرسشنامه خشم نیلسون (۲۰۰۰) و جهت تشخیص قلدر و قربانی دانش‌آموزان از پرسشنامه الویوس (۱۹۹۶) استفاده شده است.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور. این پرسشنامه نوعی مقیاس خودگزارش‌دهی است که ۳ آیت‌م کلی دارد، هر آیت‌م ویژگی‌های یکی از سبک‌ها (ایمن، دوسوگرا و اجتنابی) را توصیف می‌کند. برخی از محققان این ابزار را در دو بخش قابل اجرا می‌دانند. یک بخش آن مربوط به روش درجه‌بندی لیکرت است که درجات سه سبک ایمن، اجتنابی و دوسوگرایی را در افراد معین می‌کند. در بخش دوم که به صورت انتخاب اجباری است نوع دلبستگی فرد مشخص می‌شود (عیدی و خانجانی، ۱۳۸۵). پاکدامن قابلیت اعتماد این آزمون را بر روی آزمودنی‌های ایرانی مورد بررسی قرار داد. مطابق یافته‌ها تفاوت بین دو اجرای توصیف‌های ۱ و ۲ و ۳ معنادار نیست و این آزمون در سطح ۹۵٪ قابل اعتماد است؛ اما با توجه به همبستگی بین نتایج این دو اجرا توصیف سوم (دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا) قابل اعتمادترین است و درجه‌بندی توصیف دوم (دلبستگی اجتنابی) نیز قابل اعتماد بوده ولی توصیف اول (دلبستگی ایمن) کمترین میزان قابلیت اعتماد را در بین این سه توصیف دارد (ساعدی، ۱۳۸۲). در این پژوهش از هر دو بخش این آزمون استفاده گردیده است.

پرسشنامه خشم نیلسون (۲۰۰۰). این ابزار خودگزارشی توسط نیلسون و همکاران (۲۰۰۰)، ساخته شده است. این آزمون برای سنین ۶ تا ۱۶ سال تهیه شده و سطوح تحصیلی اول ابتدایی تا دبیرستان را شامل می‌شود. پرسشنامه شامل ۳۹ عبارت و چهار زیر مقیاس شامل: ناکامی، پرخاشگری بدنی، روابط با همسالان و روابط با

مراجع قدرت است که عبارت بر اساس مقیاس لیکرت چهارگزینه‌ای (توجه نمی‌کنم = ۱، مرا آزار می‌دهد = ۲، واقعاً ناراحت می‌شوم = ۳ و عصبانی می‌شوم = ۴)، نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره‌ای که آزمودنی کسب می‌کند ۳۹ و حداکثر ۱۵۶ است. برای بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه، این آزمون بر روی ۱۶۰۴ نفر از دانش‌آموزان توسط محمد مجدیان اجرا شد، نتایج ضریب بازآزمایی، ۰/۶۵ تا ۰/۷۵، ثبات درونی ۰/۸۵ تا ۰/۸۶ و روایی چهار زیر مقیاس ۰/۹۳ بدست آمده است (کیمیایی، رفتار و سلطانی فر، ۱۳۹۰).

پرسشنامه قلدری قربانی شدن الویوس. جهت ارزیابی قلدری و قربانی دانش‌آموزان از پرسشنامه قلدری قربانی الویوس^۱ (۱۹۹۶) استفاده گردید، که یک پرسشنامه گزارش شخصی ۳۹ سؤالی است که بر اساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت، الف: مواجهه با اشکال مختلف قلدری (فیزیکی، کلامی، غیرمستقیم، قومی و جنسی) و ب: اشکال مختلف قلدری کردن بر دانش‌آموزان دیگر را در طول ۲ یا ۳ ماه گذشته را اندازه‌گیری می‌کند. سؤالات ۱۲-۴ مقیاس قربانی را می‌سنجد و سؤالات ۳۲-۲۴ مقیاس قلدری را مورد سنجش قرار می‌دهند. ضرایب پایایی ثبات درونی این پرسشنامه در یک نمونه معرف وسیع بیش از ۵ هزار در دامنه ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ بدست آمده است. ضرایب اعتبار همگرایی سؤالات این پرسشنامه نیز با درجه بندی معتبر همسالان متوسط در دامنه ۰/۴۰ تا ۰/۶۰ بدست آمده است (الویوس، ۱۹۹۴)؛ و در بررسی زندوئیان، دریاپور و جباری‌فر (۱۳۹۲) پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ برای گویه‌های قربانی شدن ۰/۷۹ و پایایی گویه‌های قلدری ۰/۸۶ بدست آمده است.

یافته‌ها

جدول (۱) شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های خشم و سبک دلبستگی نوجوانان قلدر و قربانی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی هر یک از متغیرهای پژوهش (مؤلفه‌های خشم و سبک دلبستگی) دانش‌آموزان قلدر و قربانی

| متغیر | گروه | میانگین | انحراف استاندارد |
|---------------------|--------|---------|------------------|
| ناکامی | قلدر | ۳۱/۲۳ | ۸/۴۲ |
| | قربانی | ۱۹/۷۰ | ۷/۸۱ |
| | کل | ۲۵/۴۳ | ۹/۹۵ |
| خشم فیزیکی | قلدر | ۲۹/۹۳ | ۶/۵۴ |
| | قربانی | ۱۹/۶۶ | ۷/۳۹ |
| | کل | ۲۴/۷۷ | ۸/۶۶ |
| روابط با همسالان | قلدر | ۲۸/۷۴ | ۷/۱۳ |
| | قربانی | ۱۶/۷۸ | ۶/۹۴ |
| | کل | ۲۲/۷۳ | ۹/۲۳ |
| روابط با مراجع قدرت | قلدر | ۲۹/۷۲ | ۷/۳۲ |
| | قربانی | ۱۸/۳۳ | ۷/۹۲ |
| | کل | ۲۴/۰۰ | ۹/۵۱ |
| سبک دلبستگی اجتنابی | قلدر | ۴/۵۳ | ۱/۹۰ |
| | قربانی | ۲/۲۲ | ۱/۵۲ |
| | کل | ۳/۳۷ | ۲/۰۷ |
| سبک دلبستگی دوسوگرا | قلدر | ۳/۷۹ | ۱/۹۱ |
| | قربانی | ۴/۸۴ | ۱/۸۶ |
| | کل | ۴/۳۲ | ۱/۹۵ |
| سبک دلبستگی ایمن | قلدر | ۴/۲۵ | ۱/۸۵ |
| | قربانی | ۴/۴۸ | ۱/۷۷ |
| | کل | ۴/۳۶ | ۱/۸۱ |

بین میانگین دو گروه قلدر و قربانی در سبک دلبستگی ایمن تفاوتی وجود ندارد.

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود بر اساس آزمون لوین و عدم معناداری آن برای متغیرها، شرط همگونی واریانس خطای متغیرهای وابسته در گروه‌های مورد مطالعه تحقق یافته است ($P > 0/05$). بنابراین آزمون تحلیل واریانس چند متغیری قابل اجراست.

جدول (۱) بیانگر آن است که میانگین مؤلفه ناکامی (۳۱/۲۳)، خشم فیزیکی (۲۹/۹۳)، روابط با همسالان (۲۸/۷۴)، روابط با مراجع قدرت (۲۹/۷۲) در دانش‌آموزان قلدر از میانگین این مؤلفه‌ها در دانش‌آموزان قربانی بالاتر است. همچنین میانگین سبک دلبستگی اجتنابی (۴/۵۳) در دانش‌آموزان قلدر و میانگین سبک دلبستگی دوسوگرا (۴/۸۴) در دانش‌آموزان قربانی بالاتر هست؛ و

جدول ۲. آزمون لوین برای بررسی مفروضه همگنی واریانس خطای گروه‌ها

| سطح معناداری | درجه آزادی ۲ | درجه آزادی ۱ | F | ناکامی |
|--------------|--------------|--------------|------|---------------------|
| ۰/۶۴ | ۱۹۷ | ۱ | ۰/۵۳ | ناکامی |
| ۰/۰۷ | ۱۹۷ | ۱ | ۳/۱۵ | خشم فیزیکی |
| ۰/۸۵ | ۱۹۷ | ۱ | ۰/۰۳ | روابط با همسالان |
| ۰/۸۲ | ۱۹۷ | ۱ | ۰/۵۰ | روابط با مراجع قدرت |
| ۰/۰۳ | ۱۹۷ | ۱ | ۴/۶۱ | سبک دلبستگی اجتنابی |
| ۰/۳۹ | ۱۹۷ | ۱ | ۰/۷۱ | سبک دلبستگی دوسوگرا |
| ۰/۵۷ | ۱۹۷ | ۱ | ۰/۳۱ | سبک دلبستگی ایمن |

در جدول (۳) نتایج آزمون‌های اثر پیلایی^۱، لامبدای ویلکز^۲، اثر هوتلینگ^۳ و بزرگ‌ترین ریشه روی^۴ گزارش

2. Wilks lambda
3. hotellings trace
4. Roys largest root

1. Pillai trace

شده است. با توجه به نتایج جدول و مقدار آماره‌های به دست آمده، ملاحظه می‌شود که نتایج هر چهار آزمون (اثر پیلای، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی) با مقادیرهای مختلف و باارزش معناداری

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری

| مقدار | f | df فرضیه | df خطای | سطح معناداری | مجذور سهمی اتا | |
|-------------------|------|--------------------|---------|--------------|----------------|------|
| اثر پیلایی | ۰/۵۷ | ^a ۳۷/۱۷ | ۷/۰۰ | ۱۹۱/۰۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۷ |
| لامبدای ویلکز | ۰/۴۳ | ^a ۳۷/۱۷ | ۷/۰۰ | ۱۹۱/۰۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۷ |
| اثر هتلینگ | ۱/۳۶ | ^a ۳۷/۱۷ | ۷/۰۰ | ۱۹۱/۰۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۷ |
| بزرگترین ریشه روی | ۱/۳۶ | ^a ۳۷/۱۷ | ۷/۰۰ | ۱۹۱/۰۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۷ |

طبق اطلاعات جدول (۴) با عنایت به سطح معناداری محاسبه شده (۰/۰۱) و سطح معناداری در نظر گرفته شده (۰/۰۵) بین نمرات گروه قلدر و قربانی در بین مؤلفه‌های خشم و ابعاد سبک دلبستگی تفاوت معناداری وجود دارد (P > ۰/۰۵)؛ اما بین سبک دلبستگی ایمن بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد (P > ۰/۰۵). بنابراین می‌توان گفت بین شدت خشم و ابعاد سبک دلبستگی دانش‌آموزان (به‌غیر از سبک دلبستگی ایمن) قلدر و قربانی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس گروه‌های قلدر و قربانی

| متغیر وابسته | مجموع مجذورات | df | میانگین مجذورات | f | p | مجذور سهمی اتا |
|---------------------|---------------|-----|-----------------|--------|------|----------------|
| ناکامی | گروه | ۱ | ۶۶۱۶/۳۰ | ۱۰۰/۲۵ | ۰/۰۰ | ۰/۳۳ |
| | خطا | ۱۹۷ | ۶۰۵۴۸ | | | |
| خشم فیزیکی | گروه | ۱ | ۵۲۵۶/۷۴ | ۱۰۷/۷۸ | ۰/۰۰ | ۰/۳۵ |
| | خطا | ۱۹۷ | ۴۸/۷۷ | | | |
| روابط با همسالان | گروه | ۱ | ۷۱۲۵/۰۳ | ۱۴۳/۷۸ | ۰/۰۰ | ۰/۴۲ |
| | خطا | ۱۹۷ | ۴۹/۵۵ | | | |
| روابط با مراجع قدرت | گروه | ۱ | ۶۴۶۲/۲۵ | ۱۱۰/۹۵ | ۰/۰۰ | ۰/۳۶ |
| | خطا | ۱۹۷ | ۵۸/۲۴ | | | |
| سبک دلبستگی اجتنابی | گروه | ۱ | ۲۶۶/۶۹ | ۸۹/۶۹ | ۰/۰۰ | ۰/۳۱ |
| | خطا | ۱۹۷ | ۲/۹۷ | | | |
| سبک دلبستگی دوسوگرا | گروه | ۱ | ۵۴/۰۱ | ۱۵/۱۲ | ۰/۰۰ | ۰/۰۷ |
| | خطا | ۱۹۷ | ۳/۵۷ | | | |
| سبک دلبستگی ایمن | گروه | ۱ | ۲/۵۷ | ۰/۷۸ | ۰/۳۷ | ۰/۰۰ |
| | خطا | ۱۹۷ | ۳/۲۹ | | | |

بحث و نتیجه‌گیری

گروه قلدر و قربانی از نظر سبک دلبستگی ایمن تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات (مانکس، اسمیت و سویننهام، ۲۰۰۵؛ مای، وارتاین و ویرگا، ۲۰۰۲؛ سیدلیتر، ۱۹۹۱) همخوانی دارد. آن‌ها نشان دادند که دانش‌آموزان قلدر و قربانی دارای مجموعه‌ای از

هدف این پژوهش مقایسه سبک دلبستگی و شدت خشم نوجوانان قلدر و قربانی هست. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا نوجوانان قربانی تفاوت معنادار وجود دارد. لیکن بین دو

۱۹۹۳). والدن و بیران (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که کودکانی که از سطوح پایین دلبستگی ایمن برخوردارند احتمالاً رفتار پرخاشگرانه بیشتری نشان داده و یا بیشتر مورد خشونت قرار می‌گیرند؛ بنابراین می‌توان گفت نوجوانان دارای روابط خوب با والدین و اطرافیان در مقایسه با نوجوانان دارای روابط نامناسب کمتر رفتار غیراجتماعی نشان می‌دهند (ما^{۱۳}، شیک^{۱۴} و لم^{۱۵}، ۲۰۰۰).

یافته دیگر این پژوهش بیانگر این بود که شدت خشم در بین نوجوانان قلدر بیشتر از نوجوانان قربانی می‌باشد این یافته با تحقیقات دیگری که در همین راستا انجام گرفته‌اند همسو می‌باشد (تروی و سروفه، ۱۹۸۷؛ لافرنیر و سروفه، ۱۹۸۵؛ الگار، ۲۰۰۳؛ دولی و مارکیوکز، ۲۰۰۵). برای توضیح این یافته، می‌توان گفت در خانواده‌های قلدران دعوا و جنگ و ستیز (آوچی^{۱۶}، ۲۰۰۶) و خودکنترلی ضعیف و تنبیه‌گری شدید (لوبر^{۱۷} و دیشن^{۱۸}، ۱۹۸۴) وجود دارد. معمولاً والدین کودکان قلدر بیشتر از تنبیه بدنی و خشم استفاده می‌کنند و قلدران با تقلید از رفتار آن‌ها، این‌گونه رفتارها را برای خودشان الگو قرار داده و بعداً هم در روابط خود با دیگران نیز به همین شکل رفتار می‌کنند (روبرتس^{۱۹}، ۲۰۰۰).

بر اساس نتایج به دست آمده از این بررسی، به نظر می‌رسد تدوین و اجرای برنامه‌هایی با هدف تعدیل کیفیت دلبستگی به خصوص در کودکان و نوجوانانی که در سن خطر برای ارتکاب به رفتارهای مشکل‌دار هستند می‌تواند در کاهش ارتکاب مشکلات رفتاری متمر ثمر واقع گردد. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به استفاده از پرسشنامه اشاره کرد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده برای بررسی شدت خشم و سبک دلبستگی افراد از ابزارهای دیگری مانند مصاحبه و مشاهده و غیره نیز استفاده گردد.

تجارب ناکارآمد و نامناسب دوران اولیه رشد می‌باشند. آن‌ها غالباً در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که تأمین بسیاری از نیازهایشان با تأخیر صورت گرفته و یا با ناکامی روبه‌رو شده است؛ و غالباً دانش‌آموزان قلدر دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و قربانیان دارای سبک دلبستگی ناایمن مقاوم یا دوسوگرا می‌باشند.

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر باید گفت، سال‌های اول زندگی از مهم‌ترین مراحل رشد شخصیت کودک به شمار می‌آید. در این سال‌ها نوع رابطه مادر- کودک و میزان قابلیت دسترسی به مادر، میزان حمایت مادر هنگام احساس خطر، درجه حساسیت مادرانه و تکیه‌گاه ایمن بودن مادر برای کودک تا بتواند به جستجو در محیط پردازد سبک دلبستگی فرد را تعیین می‌کند؛ تحقیقات طولی نشان داد که سبک دلبستگی در طول عمر در زندگی فرد تأثیر می‌گذارد؛ و غالباً پیامدهای معناداری بر روی روابط آینده با همسالان به دنبال دارد. معمولاً کودکان دارای سبک دلبستگی ناایمن در مقایسه با کودکان دارای دلبستگی ایمن احساس دشمنی زیادی به اطرافیان دارند و به همین خاطر بیشتر خشم و رفتارهای پرخاشگری نشان داده (آربونا^۱ و پاور^۲، ۲۰۰۳؛ لیبل^۳، کارلو^۴ و رافلی^۵، ۲۰۰۰؛ لیونس-روف^۶، ۱۹۹۶؛ تروی و سروفه، ۱۹۸۷)؛ و درگیر مسائل قلدری و قربانی می‌شوند (بکتاش^۷، ۲۰۰۷). درحالی‌که کودکان دارای دلبستگی ایمن درگیر مسائل سرکشی و قربانی نمی‌شوند آن‌ها همواره راهی برای برقراری ارتباط مثبت با دیگران پیدا کرده، از خشونت پرهیز می‌کنند. گویی این رفتارها برای کودکان ایمن بیگانه است (ریگبی، ۱۳۹۲؛ کاباک^۸، کوله^۹، گلیوس^{۱۰}، فلمینق^{۱۱} و گامبل^{۱۲}،

1. Arbona
2. Power
3. Laible
4. Carlo
5. Raffaelli
6. Lyons- Ruth
7. Bektas
8. Kobak
9. Cole
10. Ferenz-Gillues
11. Fleming
12. Gambel

13. Ma
14. Shek
15. Lam
16. Avci
17. Loeber
18. Dishion
19. Roberts

منابع

- الیوس، دان. (۱۳۸۹). شناخت دنیای کودکان. قلدری در مدرسه، (ترجمه نادر باقری)، مشهد: شرکت به نشر (آستان قدس رضوی). (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۳۱).
- جان هالی وندی - استاین. (۱۳۹۰). واقعیت‌هایی مربوط به بد رفتاری، (ترجمه حسین نیر)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۵۹).
- ساعدی، سحر. (۱۳۸۲). بررسی سبک‌های دلبستگی و صفات شخصیتی والدین و سبک‌های دلبستگی کودک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- شهینی ییلاق، منیژه. (۱۳۷۷). مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران، ۴ (۳ و ۴)، ۲۹-۳.
- علایی، پروانه. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش مدیریت شرم در چهارچوب برنامه‌های PEGS در تعامل با شیوه‌های فرزند پروری و کیفیت ارتباط دانش‌آموز- معلم بر قلدری در مدرسه، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی تربیتی. دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- عیدی، رقیه، خانجانی، زینب. (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی، فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۱ (۲ و ۳)، ۱۹۱-۱۶۵.
- ریگی، کن. (۱۳۹۲). کودکان و سرکشی (چگونه والدین و مربیان می‌توانند سرکشی کودکان در مدرسه را کاهش دهند؟)، (ترجمه مرجان منشی)، تهران: آوای نور.
- زندوانیان، احمد، دریپور، الهه، جباری فر، تقی. (۱۳۹۲). رابطه جو مدرسه و زورگویی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، ۲۰ (۲)، ۶۲-۴۵.
- کیمیایی، سید علی، رفتار، محمدرضا، سلطانی فر، عاطفه. (۱۳۹۰). آموزش هوش هیجانی و اثربخشی آن بر کاهش پرخاشگری نوجوانان پرخاشجوی، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱ (۱)، ۱۶۶-۱۵۳.
- Abay, E. and Tuglu, C. (2000). Siddet ve agresyonun norobiyolojisi. *Klinik Psikiatri*, 3, 21- 26.
- Arbona, C. and Power, T.G. (2003). Parental attachment and self- esteem and antisocial behaviors among African American, European American and Mexican ameradolescents ican. *Journal of Counseling Psychology*, 50(1), 40- 51.
- Avci, R. (2006). *Şiddet Davranışı Gösteren ve Göstermeyen Ergenlerin Ailelerinin Aile İşlevleri, Aile Bire ylerine İlişkin Problemler, Öfke ve Öfke İfade Tarzları Açısından İncelenmesi*, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Adana, Türkiye.
- Bowers, L. and Smith, P.K. and Binney, v. (1994). Perceived family relationships of bullies, victims and bully/victims in middle childhood. *Journal of Social and Personal Relationships*, 11, 215- 232.
- Bektas, M. (2007). İlkogretimikincika demeogrencilerin deokulzorbaligininy ordanmasi. *Yukseklisanstezi*. EgeUniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, izmir.
- Davies, D. (2004). *Child development: Aparitioner guide*. New York, London: TheGuidford press.
- Doyle, A. B. and Markiewicz, D. (2005). Parenting, marital conflict and adjustment from early-to mid-adolescence: Mediated by adolescent attachment style? *Journal of Youth and Adolescence*, 34, 97- 110.
- Elgar, F. J. (2003). Attachment characteristics and behavioral problems in ruban juvenile delinquents. *Child Psychiatry and Human Development*, 34(1), 35- 48.
- Gokler, R. (2009). Okullarda akran zorbaligi. *Uluslararası İnsan Bilimleri Dergisi*, 6(2), 511- 537.
- Hazan, C. and Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment roses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52: 511- 24.
- Hinshow, F.S. and Boris, N. and Zeanah, C.H. (1999). Reactive attachment disorder twin. *Infant mental health Journal*, 20, 42- 59.
- Hazan, C. and Shaver, p. (1987). Attachment as an organizational framework for research on close relationships. *Psychological Inguriy*, 5, 7- 22.
- Ireland, J.L. and Power, C.L. (2004). Attachment, emotional loneliness, and bullying behavior: A study of adult and young offenders. *Aggressive Behavior*, 30, 312- 398.

- KAPCI, E. (2004). İlköğretim Öğrencilerinin Zorbalığa Maruz Kalma Türünün ve Sıklığının Depresyon, Kaygı ve Benlik Saygısıyla İlişkisi. *Ankara Üniversitesi Eğitim Bilimleri Fakültesi Dergisi*, yıl: 37, 1, 1- 13.
- Kobak, R.R. Cole, H. Ferenz-Gillues, R. Fleming, W. and Gambel, W. (1993). Attachment and emotion regulation during mother-teen problem-solving: A control theory analysis. *Child Development*, 64, 231- 245.
- Lafreniere, P. and Sroufe, L.A. (1985). Profiles of peer competence in the preschool: Interrelations measures, influence of social ecology, and relation to attachment history. *Developmental Psychology*, 17, 298- 299.
- Loeber, R. and Dishion, T.J. (1984). Boys who fight at home and school: Family conditions influencing cross-eting consistency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 52(5), 759- 768.
- Laible, D.J. and Carlo, G. and Raffaelli, M. (2000). The differential relationship of parent and peer attachment to adolescent adjustment. *Journal of Youth and Adolescence*, 29, 45- 59.
- Lyons-Ruth, K. (1996). Attachment relationships among children with aggressive behavior problems: The role of disorganized early attachment patterns. *Journal Consult Clinical Psychology*, 64, 64- 73.
- Monks, C.P. and Smith, P.K. and Swettenham, J. (2005). Psychological correlates of peer victimization in preschool: Social cognitive skills, executive function and attachment profiles. *Aggressive Behavior*, 31, 571- 588.
- Ma, H.K. and Shek, and Lam, C.O.B. (2000). Parental, Peer, and Teacher Influences on the Social Behavior of Hong Kong Chinese Adolescents, *The Journal of Genetic Psychology*, 161, 65- 78.
- May, D. C. Vartanian, L. R. and Virga, K. (2002). The impact of parental attachment and supervision on fear of crime among adolescent males. *Adolescence*, 37, 146, 667- 289.
- Nansel, T. R. Overpeck, M. Pilla, W. J. Simons-Morton, B. and Scheidt, P. (2001). Bullying behaviors among U.S. youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. *The American Medical Association*, 285, 209- 2100.
- Nickerson, A. B. and Mele, D. and Princiotta, D. (2008). Attachment and empathy as predictors of roles as defenders or outsiders in bullying interactions. *Journal of School Psychology*, 46, 687- 703.
- Olweus, D. (1994). Annotation: Bullying at school: Basic facts and effects of a school based intervention program. *Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 35(7), 1171- 1190.
- O'Koon, J. (1997). Attachment to parent and pets in late adolescence and their relationship with self-image. *Adolescence*, 32(126), 471- 482.
- Piskin, M. (2002). Okul Zorbalığı: Tanimi, Türleri, İliskili Oldugu Faktorler Ve Alınabilecek Önlemler. *Kuram Ve Uygulamada Eğitim Bilimleri Dergisi*, 2, 531- 562.
- Piskin, M. (2005). *Okulda Akran Zorbalığı*. Ankara Valiliği İl Milli Eğitim Müdürlüğü Özel Eğitim Rehberlik ve Psikoloji Danışmanlık Hizmetleri Bolumu "Okullarda Sıddet" Paneli. Ankara: 12 Ocak 2005.
- Roberts, W.B. (2000). The bully as victim. *Professional School Counseling*, 4, 148- 156.
- Seydlitz, R. (1991). The effects of age and gender on parental control and delinquency. *Youth and Society*, 23(1) 175- 201.
- Simons, R. L., and Miller, M. G. and Aigner, S. (1980). Contemporary theories of deviance and female delinquency: An empirical test. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 17(1), 42- 57.
- Smith, P.K. (1991). The silent nightmare: Bullying and victimization in school peer groups, *Psychologist: Bulletin of the British Psychological Society*, 4, 243- 248.
- Troy, M. and Sroufe, L.A. (1987). Victimization among preschool: Role of attachment relationship history. *Journal of the American of Child and Adolescent Psychiatry*, 26, 166- 172.
- Walden, L.M. and Beran, T.N. (2010). Attachment quality and bullying behavior in school-aged youth. *Canadian Journal of School Psychology*, 25, 5- 18.